

# ماه و كلاه

نویسنده: نونی

ترجمه:

محمد صادق جابری فرد



شما هم دوست دارید در یک روز تعطیل آفتابی کلاه روی سرتان بگذارید؟  
در این کتاب زیبا می‌توانید ببینید چه کسانی دوست دارند کلاه به  
سر بگذارند.

برای گروه سنی ۳-۶ سال

# ماه و کلاه

نویسنده: نُونی (نام مستعار)  
تصویرگران: آنگی و اوپیش  
مترجم: محمد صادق جابری فرد

همه ما به جشنواره «دَسارا» رفتیم. (جشنی سالانه در کشور هندوستان)



بابا برای «چانتی» یک عینک فانتزی خرید. مادر برای من یک کلاه با رنگ آبی روشن خرید. و خواهر کوچولو هم یک آبناات شیرین گرفت.



در راه خانه، یک باد خیلی قوی آمد. باد کلاهم را برد.



کلاه روی یک شاخه‌ی درخت قدیمی کنار خانه‌مان گیر کرد.



من خیلی گریه کردم. و شامم را هم نخوردم.





همان شب ساعتی بعد، ماه در آسمان بالا آمد. ماه به کلاه من که روی درخت انجیر قدیمی بود نگاه کرد.



ماه کلاه من را برای خودش امتحان کرد. بعد با  
خوشحالی لبخند زد. من هم مجبور شدم لبخند بزنم.



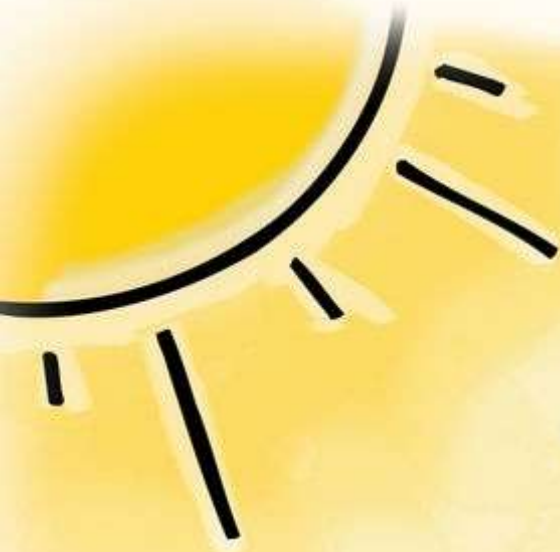
روز بعد، پس از مدرسه، مادرم یک کلاه جدید با رنگ قرمز درخشان  
به من داد. او گفت، «ماه این را برایت فرستاده».



آن شب من و ماه هر دو، کلاه‌هایمان را گذاشتیم  
روی سرمان و لبخند زدیم. ما خوشحال بودیم.



شما فکر می کنید که خورشید هم یک کلاه می خواهد؟



حدس بزنید من امروز کدام کلاه را سرم می گذارم!

